

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/08/27

وضوي جبرئيل

در رابطه با وجوب مسح بر رجليں به آيات استدلال شد، به روايات اهل سنت استدلال شد، به حديث ويل للأعقاب مفصل بحث شد.

يكي از بحث هاي كه بايد دقت بشود، بحث وضوي تعليم جبرائيل نسبت به نبي مكرم است كه آيت الله سبحاني هم يك اشاره اي داشتند؛ البته اين روايت در صحاح وجود ندارد؛ ولي در سنن و مسانيد اهل سنت قضيه وضوي جبرائيل آمده است و اصلا تعبير مي كنند به وضو جبرائيل كه در همان اول بعثت، جبرئيل خدمت نبي مكرم مي آيد و با معجزه آب و چشمه اي را توليد مي كند و نحوه وضو گرفتن را آموزش مي دهد.

قديمي ترين مصدري كه من پيدا كردم، كتاب دلائل النبوه بيهقي است در جلد دوم، 145 و 146 و بعد ذهبي، ابن حجر، حلبى و احمد بن حنبل و ديگران اين را آورده اند؛ ولي به اختصار.

آن چه بيهقي دارد، سند به اين شكل است:

ابوالحسن الفضل، قال حدثنا عبد الله بن جعفر، حدثنا يعقوب بن سنان، قال حدثنا عمرو بن خالد و حسان بن عبد الله، قال حدثنا ابن لهيعة، عن عروة بن زبير... ففتح جبرئيل عينا من ماء فتوضأ و محمد (صلي الله عليه و آله و سلم) ينظر اليه فغسل وجهه و يديه الي المرفقين و مسح رأسه و رجليه الي الكعبيين.

این روایت خیلی واضح و روشن است. این قضیه را بیش از چهل پنجاه مصدر؛ چه مصادر روایی و چه مصادر تاریخی، نقل کرده اند. اگر چه سند ها هم ضعیف باشد، از آن جایی که ما طرق متعدد داریم برای نقل این روایت، یک قاعده رجالی دارند اهل سنت تحت عنوان «یقوی بعضها بعضاً». علمای اهل سنت در ابواب مختلف فقه از طهارت گرفته تا دیات به کرات به این قاعده استناد می کنند. خود ابن حجر در خود فتح الباری (بیش از چهارده مورد) یا سبل السلام به طرق متعدد دارد.

ابن قدامه در المغنی جاهایی متعددی دارد که روایت سنداً ضعیف است؛ ولی چون طرق متعدد است، می گوید: «یقوی بعضها بعضاً». البته ما هم داریم که اگر طرق یک روایت از سه تا بیشتر شد، از آن تعبیر می کنیم به مستفیض. شما اگر کتاب های فقهی آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله) را ملاحظه کنید، با این که در میان متأخرین از معدود فقهایی است که نسبت به مسائل رجالی سخت گیری زیاد دارد. چه بسا روایاتی را که دیگر فقها عمل کرده اند؛ ولی آقای خوئی رد می کند و مناقشه می کند در سندش؛ ولی در عین حال با این همه مذاقّه علمی در اسانید، خیلی از موارد می رسد و می گوید:

و في الباب الروایات مستفیضة یغنینا عن البحث في السند .

البته این را هم توجه داشته باشید، آن جایی که روایات به نفع خودشان باشد، عمل می کنند ولی روایاتی که مربوط به فضایل اهل بیت یا خلافت حضرت امیر (علیه السلام) باشد، این قاعده را رعایت نمی کنند؛ مثلاً ابن جوزی در روایت «أنا مدينة العلم و علي بابها» یازده طریق ذکر می کند، برای هر یک از این طرق، یک وجه ضعفی را می آورد و در مجموع روایت را رد می کند؛ با این که یازده طریق دارد؛ ولی در رابطه با فضایل ابوبکر بعضی از موارد هست که

سه طریق بیشتر نیست، می گوید: «یقوی بعضها بعضاً». یعنی نشان می دهد که، مباحث اعتقادی و علمی آن ها آن چنان با تعصب آغشته شده است که اصلاً نمی توانند غیر این فکر کنند. ابن تیمیه وقتی می رسد به این حدیث می گوید:

«حدیث أنا مدینة العلم کذب موضوع»

هیچ یک از کتاب های روایی ما ذکر نکرده است. هیچ یک از روای آن ها را ذکر نکرده، هر کس که آگاهی از مسائل علم حدیث دارد، می داند که این حدیث جعلی و دورغ است !!!.

مبانی آن ها به این شکل است. در رابطه با وضو جبرائیل، چون طرق متعدد است، یقوی بعضها بعضاً. گرچه در بعضی از موارد هم داریم که آن ها وقتی روایت را می آورد اشاره دارند (مثلاً ابن حجر عسقلانی در جلد اول ص 188 فتح الباری): اگر چه یک ارسالی در سند هست، ولی در جاهای دیگر این ارسال بر طرف شده است و به صورت مسند آمده است. این تعبیر زیاد در کتاب های فقهی اهل سنت دیده می شود: «السند مقطوع ووصله فلان» «الحدیث مقطوع، وصله فلان». ما هم در کتاب های فقهی ما داریم که مثلاً این روایت را شیخ صدوق مرسل نقل کرده است و شیخ طوسی به صورت مسند. اسناد این یکی، ارسال آن یکی را رفع می کند.

بعد ابن حجر در ج 1 ص 188 تعبیرش این است:

واخرجه الطبرانی فی الاوسط موصولاً لو ثبت لکان علی شرط الصحیح.

حلبی از بزرگانی است که مال قرن یازدهم هجری است؛ ولی سیره حلبی مورد عنایت اهل سنت است و برایش ارزش قائلند که ایشان می گوید:

قال بعض فقهاءنا فإن حديث جبرئيل ليس فيه الا مسحهما اي ان جبرئيل اول ما جاء النبي (ص) بالوحي توضاً فغسل وجهه ويديه الي المرفقين ومسح برأسه ورجليه الي الكعبين وفي الاسناد المذكور ارسال كما تري الا انه ذكر موصولا من طرق اخري.

سیره حلبی، ج 1، ص 253

سیره حلبی يك كتاب تاريخ است مثل سیره ابن هشام. این حدیث را مسند احمد، ج 1، ص 161 و ج 5، ص 205، سنن ابن ماجه، ج 1، ص 157، طبرانی در معجم اوسط، ج 3، ص 536، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 217 و طبرانی در معجم کبیر، و طبری در تاریخش، ج 1، ص 535 آورده است. سیوطی در خصائص کبری، ج 1، ص 233، می گوید:

اخرج البيهقي و ابونعيم، عن عروة بن زبير ان جبرئيل لما نزل علي النبي في اول البعثة... و اخرجه ابونعيم من وجه ثالث عن الزهري، عن عروة عن عايشه موصولا.

هرکسی که این روایت را آورده، عنایت دارد که اگر در نقل بیهقی ارسال یا قطع هست، دیگران به صورت مسند و موصول آورده اند.

قضیه وضوی جبرئیل که در اول بعثت بر نبی مکرم نازل شده، جز مسح رجلین چیز دیگری نیست. آخر بعثت هم جز مسح رجلین چیز دیگری نیست. باید دید این غسلی که آن ها نقل کرده اند در کجا بوده است. این غسل یا باید در وسط باشد، اگر در وسط باشد، وضوی سابق را نسخ می کند و دو باره با آمدن سوره مائده تبدیل به مسح می شود. یا از اول بعثت تا دو ماه قبل از رحلت پیامبر همه مسح بوده است، بعد از آن غسل آمده است و نسخ کرده است تمام آن چه را که در 23 سال مسلمانان انجام می دادند. اهل سنت باید یکی از این دو راه بپیمایند.